

## آیه ۹ - ۱۴

### آیه و ترجمه

اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من الملائكة مردفين ۹  
و ما جعله الله الا بشري و لتطمئن به قلوبكم و ما النصر الا من عند الله ان الله  
عزيز حكيم ۱۰  
اذ يغشيكم النعاس ائمنة منه و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به ويذهب  
عنكم رجز الشيطان و ليربط على قلوبكم و يثبت به الاقدام ۱۱  
اذ يوحى ربك الى الملائكة اني معكم فثبتوا الذين امنوا سلقى في قلوب الذين  
كفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق و اضربوا منهم كل بنان ۱۲  
ذلك بانهم شاقوا الله و رسوله و من يشاقق الله و رسوله فان الله شديد العقاب ۱۳  
ذلكم فذوقوه و ان للكافرين عذاب النار ۱۴

ترجمه :

- ۹ - (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر)  
از پروردگارتان تقاضای کمک می کردید و او تقاضای شما را پذیرفت (و گفت)  
من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می آیند یاری می کنم.  
۱۰ - ولی خداوند این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد و گرنه  
پیروزی جز از طرف خدا نیست خداوند توانا و حکیم است.  
۱۱ - (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از ناحیه خدا  
بود شما را فرو گرفت و آبی از آسمان برای شما فرو فرستاد تا با آن شما را پاک  
و پلییدی شیطان را از شما دور سازد و دلهای شما را محکم و گامها را با آن  
ثابت دارد.  
۱۲ - (به خاطر بیاورید) موقعی را که پروردگارت به فرشتگانی وحی کرد من  
با شما هستم کسانی را که ایمان آورده اند ثابت قدم بدارید. بزودی در دلهای  
کافران ترس و وحشت می افکنم ضربه ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای  
دشمنان) فرود آرید و دست و پای آنها را از کار بیندازید.  
۱۳ - این به خاطر آنست که آنها با خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و آله وسلم)  
دشمنی ورزی

خدا و پیامبرش دشمنی کند (کیفر شدیدی می بیند) خداوند شدیدالعقاب است.

۱۴ - این (مجازات دنیا) را بچشید و برای کافران مجازات آتش (درجهان دیگر) خواهد بود.

تفسیر :

### درسهای آموزنده در میدان بدر

این آیات به قسمتهای حساسی از جنگ بدر و نعمتهای گوناگونی که خداوند در این صحنه خطرناک نصیب مسلمانان کرد اشاره می کند، تاحس اطاعت و شکرگزاری آنها را برانگیزد و راه را به سوی پیروزیها و پیشرفتهای آینده در برابر آنها بگشاید.

نخست به یاری فرشتگان اشاره کرده می گوید: به خاطر بیاورید زمانی را که از شدت وحشت و اضطراب که از کثرت نفرات دشمن و فزونی تجهیزات جنگی آنها برای شما پیش آمده بود، به خدا پناه بردید و دست حاجت به سوی او دراز کردید و از وی تقاضای کمک نمودید (و اذتستغیثون ربکم).

در پاره‌ای از روایات آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بامسلمانها در استغاثه و یاری طلبیدن از خداوند هم صدا بود، دست خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و عرضه می داشت اللهم انجز لی ما وعدتني اللهم ان تهلك هذه العصابة لا تعبد فی الارض: خداوندا وعده‌ای را که به من داده‌ای تحقق بخشد، پروردگارا اگر این گروه مؤمنان نابود شوند پرستش تو از زمین بر چیده خواهد شد، و آنقدر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به این استغاثه و دعا ادامه داد که عبا از دوشش بر زمین افتاد.

در این هنگام خداوند تقاضای شما را پذیرفت و فرمود: من شما را با یک هزار نفر از فرشتگان که پشت سر هم فرود می آیند، کمک و یاری می کنم (فاستجاب لکم انی ممدکم بالف من الملائكة مردفین).

مردفین از ماده ارداف به معنی پشت سر هم قرار گرفتن است،

بنابر این مفهوم این کلمه این می‌شود که فرشتگان پشت سر یکدیگر برای یاری مسلمانان فرود آمدند.

این احتمال نیز در معنی آیه داده شده است که منظور این است که این گروه هزار نفری گروه‌های متعدد دیگری را پشت سر داشتند و به این ترتیب با آیه ۱۲۴ سوره آل عمران که می‌گوید پیامبر به مؤمنان می‌گفت: «آیا کافی نیست که خداوند شما را به سه هزار نفر از فرشتگان یاری کند» تطبیق می‌نماید.

ولی ظاهر این است که عدد فرشتگان در بدر یکهزار نفر بوده است، و مردفین صفت آن یکهزار نفر است، و آیه سوره آل عمران وعده‌ای بوده است به مسلمانان که حتی اگر لازم شود خداوند عدد بیشتری را به یاری شما می‌فرستد.

سپس برای اینکه کسی خیال نکند پیروزی به دست فرشتگان و مانند آنهاست، می‌گوید خداوند این کار را فقط برای بشارت و اطمینان قلب شما قرار داد (و ما جعله الله الا بشری و لتطمئن به قلوبکم) و گرنه پیروزی جز از ناحیه خداوند نیست و ما فوق همه این اسباب ظاهری و باطنی اراده و مشیت او است (و ما النصر الا من عند الله) زیرا خداوند آنچنان قادر و قوی است که هیچکس نمی‌تواند در برابر اراده و ایستادگی کند و آنچنان حکیم و دانا است که یاری خود را جز در مورد افراد شایسته قرار نخواهد داد (ان الله عزیز حکیم)

### آیا فرشتگان جنگیدند؟

در میان مفسران در این زمینه گفتگوی بسیار شده است، بعضی معتقدند که فرشتگان رسماً وارد صحنه نبرد شدند و با سلاحهای مخصوص به خود به لشکر دشمن حمله کردند و عده‌ای از آنها را به خاک افکندند، پاره‌ای از روایات را نیز در این زمینه نقل کرده‌اند.

---

### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۰۵

ولی قرائنی در دست است که نشان می‌دهد نظر گروه دوم که می‌گویند: فرشتگان تنها برای دلگرمی و تقویت روحیه مؤمنان نازل شدند، به واقع نزدیکتر است.

زیرا اولاً: در آیه فوق خواندیم که می‌فرمود: اینها تمام برای اطمینان قلب شما

بوده است که با احساس این پشت گرمی بهتر مبارزه کنید، نه اینکه آنها اقدام به جنگ کرده باشند.

ثانیا: اگر بنا شود فرشتگان، شجاعانه سربازان دشمن را به خاک افکنده باشند چه فضیلتی برای مجاهدین بدر باقی خواهد ماند که این همه درروایات از آنها سخن به میان آمده است.

ثالثا: تعداد مقتولین بدر ۷۰ نفر بودند که قسمت مهمی از آنها با شمشیر علی (علیکم السلام) به خاک افتادند و قسمت دیگری به دست جنگجویان اسلام که غالباً قاتلین آنها در تاریخ به نام ذکر شده اند، بنابراین چه باقی می ماند برای فرشتگان و چه کسی را آنها به خاک انداختند.

سپس دومین نعمت خود را به مؤمنان یادآور می شود و می گوید به خاطر بیاورید هنگامی را که خواب سبکی شما را فرو گرفت که مایه آرامش و امنیت روح و جسم شما از ناحیه خداوند گردید (اذ یغشیکم النعاس امانة منه)

یغشی از ماده غشیان به معنی پوشاندن و احاطه کردن است، گوئی خواب همچون پرده ای بر آنها افکنده شد و آنها را پوشاند. نعاس به ابتدای خواب و یا خواب کم و سبک و آرام بخش گفته می شود، و شاید اشاره به این است که در عین استراحت آنچنان خواب عمیقی بر شما مسلط نشد که دشمن بتواند از موقعیت استفاده کرده و بر شما شبیخون بزند. و به این ترتیب مسلمانان در آن شب پر اضطراب، از این نعمت بزرگی که

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۰۶

فردای آن روز در میدان مبارزه به آنها کمک فراوانی کرد بهره گرفتند. سومین موهبتی را که در آن میدان به شما ارزانی داشت این بود، که آبی از آسمان برای شما فرو فرستاد (و ینزل علیکم من السماء ماء) تا بوسیله آن شما را پاک و پاکیزه کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد (لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان)

این پلیدی ممکن است وسوسه های شیطانی بوده و ممکن است پلیدی جسمانی بر اثر جنابت بعضی در آن شب و یا هر دو، و در هر حال این آب حیات بخش که در گودالهای اطراف بدر جمع شده بود، در حالی که دشمن چاهها را در اختیار گرفته بود و مسلمانان نیاز شدیدی برای شستشو

ورفع عطش به آن داشتند همه این پلیدیها را شست و با خود برد.  
به علاوه خدا می خواست با این نعمت دلهای شما را محکم دارد (ولیربط علی قلوبکم) و نیز می خواست در آن شنزار که پای شما فرومی رفت، و لغزنده بود، به وسیله ریزش باران گامهای شما را محکم کند(و یثبت به الاقدام)  
این احتمال نیز وجود دارد که مراد از تثبیت اقدام تقویت روحیه و افزودن میزان پایداری و استقامت آنها در پرتو این نعمت باشد و یا اشاره به هردو قسمت بوده باشد.

دیگر از نعمتهای پروردگار بر مجاهدان جنگ بدر، ترس و وحشتی بود که در دل دشمنان افکند و روحیه آنها را سخت متزلزل ساخت در این باره می فرماید:  
به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی فرستاد، من با شما هستم و شما افراد با ایمان را تقویت کنید و ثابت قدم بدارید (اذ یوحی ربک الی الملائکة انی معکم فثبتوا الذین آمنوا)  
و به زودی در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنم، (سالقی فی قلوب الذین کفروا الرعب)

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۰۷

و این راستی عجیب بود که ارتش نیرومندی قریش در برابر سپاه کوچک مسلمانان - طبق نقل تواریخ - آنچنان روحیه خود را باخته بود که جمعی از درگیر شدن با مسلمانان بسیار وحشت داشتند، گاه پیش خود فکرمی کردند اینها افراد عادی نیستند بعضی می گفتند مرگ را بر شترهای خویش حمل کرده و از یثرب (مدینه) برایتان سوغات آورده اند.  
شک نیست که این رعب افکنی در دل دشمن که از عوامل مؤثر پیروزی بود بدون حساب نبود، آن پایداری مسلمانان، آن نماز جماعت و شعارهای گرم و داغشان، آن اظهار وفاداری مؤمنان راستین و سخنانی همچون سخنان سعد بن معاذ که به عنوان نمایندگی از طرف انصار به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت بادای رسول خدا ما به تو ایمان آورده ایم و به نبوت تو گواهی داده ایم که هر چه می گوئی از طرف خدا است، هر دستوری را می خواهی بده و از اموال ما هر چه می خواهی بگیر، به خدا سوگند اگر به ما فرمان دهی که در این دریا (اشاره به دریای احمر که در آن نزدیکی بود) فرو رویم فرو خواهیم رفت، ما آرزو داریم خداوند به ما توفیق دهد

خدمتی کنیم که مایه روشنی چشم تو شود، آری اینگونه سخنان که به هر حال در میان دوست و دشمن پخش می‌شد به اضافه آنچه قبلاً از استقامت مردان و زنان مسلمان در مکه دیده بودند، همگی دست به دست هم داد، و وحشت برای دشمنان آفرید.

باد شدیدی که به سوی جبهه دشمن می‌وزید و رگباری که بر آنها فرود آمد، و خاطره وحشتناک خواب عاتکه در مکه و مانند اینها عوامل دیگری برای وحشت و اضطراب آنها بودند.

سپس فرمانی را که در میدان بدر به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به مسلمانان داده بود، به یاد آنها می‌آورد، و آن این بود که هنگام نبرد با مشرکان از ضربه‌های

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۰۸

غیر کاری بپرهیزید و نیروی خود را در آن صرف نکنید، بلکه ضربه‌های کاری بر پیکر دشمن فرود آرید ضربه بر بالاتر از گردن، بر مغزها و سرهای آنها فرود آرید (فاضربوا فوق الاعناق)

و دست و پای آنها را از کار بیندازید (و ضربوا منهم کل بنان) بنان جمع بنانه به معنی سر انگشت دست یا پا و یا خود انگشتان است، و در آیه مورد بحث می‌تواند کنایه از دست و پا بوده باشد و یا به معنی اصلیش که انگشتان است، زیرا قطع شدن انگشتان و از کار افتادن آنها اگر در دست باشد قدرت حمل سلاح را از انسان می‌گیرد، و اگر در پا باشد، قدرت حرکت را. این احتمال نیز وجود دارد که اگر دشمن مهاجم پیاده باشد، هدف را سر او قرار دهید و اگر سواره باشد دست و پای او.

همانطور که در سابق هم اشاره کردیم بعضی این جمله را خطاب به فرشتگان می‌دانند ولی قرائن نشان می‌دهد که مخاطب در این جمله مسلمانان هستند، و اگر هم مخاطب فرشتگان باشند ممکن است هدف از ضربه زدن بر مغزها و دست و پا ایجاد رعب و وحشت در آنها باشد آنچنانکه دست و پایشان در کار بلغزد، و سرها به زیر آید. (البته این تفسیر بر خلاف ظاهر عبارت است و باید به کمک قرائنی که سابقاً درباره جنگ نکردن ملائکه گفتیم اثبات شود)

بعد از همه گفتگوها برای اینکه کسی این فرمانهای شدید و دستورات قاطع و کوبنده را بر خلاف آئین جوانمردی و رحم و انصاف تصور نکند، می‌فرماید:

اینها استحقاق چنین چیزی را دارند زیرا آنان از در عداوت و دشمنی و عصیان و گردنکشی در برابر خدا و پیامبرش در آمدند (ذلک بانهم شاقوا الله و رسوله) شاقوا از ماده شقاق در اصل به معنی شکاف و جدائی است و از آنجا که شخص مخالف و دشمن و عصیانگر، صف خود را جدا می کند به عمل او شقاق

---

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۰۹

گفته می شود، و هر کس از در مخالفت و دشمنی با خدا و پیامبرش در آید، گرفتار مجازات دردناک در دنیا و آخرت خواهد شد، زیرا خداوند (همانگونه که رحمتش وسیع و بی انتها است) مجازاتش شدید و دردناک است (و من یشاقق الله و رسوله فان الله شدید العقاب) سپس برای تاءکید این موضوع می گوید این مجازات دنیا را بچشید آماجرات ضربه های سخت در میدان جنگ و کشته شدن و اسارت و شکست و ناکامی - و در انتظار مجازات سرای دیگر باشید، زیرا عذاب آتش در انتظار کافران است (ذلکم فذوقوه و ان للکافرین عذاب النار)

---

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۱۰

آیه ۱۵ - ۱۸

آیه و ترجمه

یاءِیها الذین امنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الادبار ۱۵  
و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحیزا الی فئة فقد باء بغضب من  
الله و ماوئیه جهنم و بئس المصیر ۱۶  
فلم تقتلوهم و لکن الله قتلهم و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی و  
لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا ان الله سمیع علیم ۱۷  
ذلکم و ان الله موهن کید الکافرین ۱۸

ترجمه :

۱۵ - ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبرو شوید به آنها پشت نکنید.  
۱۶ - و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر در صورتی که هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) گرفتار غضب پروردگار

خواهد شد و ماوای او جهنم و چه بد جایگاهی است.

۱۷ - این شما نبودید که آنها را کشتید بلکه خداوند آنها را کشت و این تونبودی (ای پیامبر که خاک و ریگ به صورت آنها) پاشیدی بلکه خداپاشید و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله به خوبی بیازماید، خداوند شنوا و دانا است.

۱۸ - سرنوشت مؤمنان و کافران همان بود که دیدید و خداوند نقشه‌های کافران را

---

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۱۱

تفسیر :

### فرار از جهاد ممنوع!

همانگونه که در تفسیر آیات گذشته اشاره شد بازگو کردن داستان جنگ بدر و نعمتهای گوناگون خداوند بر مسلمانان نخستین در این جریان بخاطر آن است که از گذشته برای آینده درس بیاموزند لذا در آیات مورد بحث روی سخن را به مؤمنان کرده و یک دستور کلی جنگی را به آنها توصیه و تاءکید می‌کند و می‌گوید ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که با کافران در میدان جهاد روبرو شدید به آنها پشت می‌کنید و فرار اختیار ننمائید (یا ایها الذین امنوا اذا لقيتم الذین کفر وا زحفا فلا تولوهم الادبار)

لقيتم از ماده لقاء به معنی اجتماع و روبرو شدن است ولی در بسیاری از موارد به معنی روبرو شدن در میدان جنگ آمده است.

زحف در اصل به معنای حرکت کردن به سوی چیزی است آنچنان که پاهایه سوی زمین کشیده شود، همانند حرکت کودک قبل از آنکه راه بیافتد و یا شتر به هنگام خستگی که پای خود را به روی زمین می‌کشد سپس به حرکت لشکر انبوه نیز گفته شده است زیرا از دور چنان به نظر می‌رسد که گوئی روی زمین می‌لغزند و به پیش می‌آیند. در آیه فوق بکار بردن کلمه زحف اشاره به این است که هر چند دشمن از نظر نفرات و تجهیزات فراوان و شما در اقلیت قرار داشته باشید نباید از میدان مبارزه فرار کنید همانگونه که نفرات دشمن در میدان بدر چند برابر شما بود و پایداری به خرج دادید و سرانجام پیروز شدید.

اصولا فرار از جنگ یکی از بزرگترین گناهان در اسلام محسوب می‌شود



منتهی با توجه به بعضی از آیات قرآن، آن را مشروط به این دانسته‌اند که جمعیت دشمن حداکثر دو برابر مسلمانان بوده باشد که بحث آن به خواست خداوند در همین سوره ذیل آیه ۶۵ و ۶۶ خواهد آمد.

به همین جهت در آیه بعد مجازات دردناک فرار کنندگان از میدان جهاد را با ذکر استثناهای آن شرح می‌دهد و می‌فرماید: کسانی که به هنگام مبارزه با دشمن پشت به آنها کنند - مگر در صورتی که هدف کناره‌گیری از میدان برای انتخاب یک روش جنگی بوده باشد و یا بقصد پیوستن به گروهی از مسلمانان و حمله مجدد - چنین کسی گرفتار غضب پروردگار خواهد شد (و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحیزا الی فئة فقد باء بغضب من الله).

همانگونه که مشاهده می‌کنیم در این آیه دو صورت از مسئله فرار، استثناء شده که در ظاهر شکل فرار دارد اما در باطن شکل مبارزه و جهاد.

نخست صورتی است که از آن تعبیر به متحرفا لقتال شده متحرف از ماده تحرف به معنای کناره‌گیری از وسط به اطراف و کناره‌هاست، و منظور از این جمله این است که جنگجویان به عنوان یک تاکتیک جنگی از برابر دشمن بگریزند و به کناری بروند که او را به دنبال خود بکشانند و ناگهان ضربه غافلگیرانه را بر پیکر او وارد سازند و یا به صورت جنگ و گریز دشمن را خسته کنند که جنگ گاهی حمله و گاهی عقب‌نشینی به عنوان حمله مجدد است و به قول عربها «الحرب کر و فر»

شکل دوم آن است که جنگجوی خود را در میدان تنها بیند و برای پیوستن به گروه جنگجویان عقب‌نشینی کند و پس از پیوستن به آنها حمله را آغاز نماید. بهر حال دستور تحریم فرار از میدان نباید به شکل خشکی تفسیر شود

که مانورها و تاکتیکهای جنگی را از میان ببرد همان مانورهائی که سرچشمه بسیاری از پیروزیهاست.

و در پایان آیه می‌فرماید نه تنها فرار کنندگان گرفتار خشم خدا می‌شوند بلکه جایگاه آنها دوزخ و چه بد جایگاهی است (و ماویه جهنم و

بئس المصیر) جمله باء از ماده بواء به معنای مراجعت و منزل گرفتن آمده، ولی ریشه آن به معنای صاف و مسطح کردن یک محل و مکان است و از آنجا که انسان به هنگام منزل گرفتن محل خود را صاف و مسطح می‌کند این کلمه به این معنا آمده است، همچنین چون انسان به منزلگاه خویش مراجعت می‌کند به معنای بازگشت نیز آمده است و در آیه بالا اشاره به این است که آنها مشمول غضب مستمر و مداوم پروردگار می‌شوند گوئی در خشم و غضب پروردگار منزل گرفته‌اند.

ماوی در اصل به معنای پناهگاه است و اینکه در آیه بالا می‌خوانیم ماوی فرار کنندگان از جهاد جهنم است اشاره به این است که آنها با فرار می‌خواهند پناهگاهی برای خود انتخاب کنند که از هلاکت مصون بمانند ولی بعکس پناهگاه آنها جهنم می‌شود نه تنها در جهان دیگر بلکه در این جهان نیز در جهنمی سوزان از ذلت و بدبختی و شکست و محرومیت، پناه خواهند گرفت. لذا در کتاب عیون الاخبار امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) در پاسخ یکی از دوستانش که از فلسفه بسیاری از احکام سؤال می‌کند در زمینه فلسفه تحریم فرار از جهاد می‌نویسد: خداوند به این دلیل فرار از جهاد را تحریم کرده که موجب وهن و سستی در دین و تحقیر برنامه پیامبران و امامان و پیشوایان عادل می‌گردد و نیز سبب می‌شود که آنها نتوانند بر دشمنان پیروز شوند و دشمن را به خاطر مخالفت با دعوت به توحید پروردگار و اجرای عدالت و ترک ستمگری و از میان بردن فساد کیفر دهند، بعلاوه سبب می‌شود که دشمنان در برابر مسلمانان جسور شوند و حتی مسلمانان بدست آنها اسیر و مقتول گردند و سرانجام آئین خداوند عز و جل بر چیده شود

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۱۴

در میان امتیازات فراوانی که علی (علیه السلام) داشت و گاهی خودش به عنوان سرمشق برای دیگران به آن اشاره می‌کند همین مسئله عدم فرار از میدان جهاد است آنجا که می‌فرماید «انی لم افر من الزحف قط و لم یبارزنی احد الا سقییت الارض من دمه»: «من هیچگاه از برابر انبوه دشمن فرار نکردم (با اینکه در طول عمرم در میدانهای زیاد شرکت جستم) و هیچ کس در میدان جنگ با من روبرو نشد مگر اینکه زمین را از خونش سیراب کردم»

عجیب این است که جمعی از مفسران اهل تسنن اصرار بر این دارند که حکم آیه فوق مخصوص جنگ بدر بوده است و این تهدید و تشدید که در زمینه فرار از جهاد در آن بیان شده مربوط به جنگجویان بدر است، در حالی که نه تنها دلیلی در آیه بر اختصاص نیست بلکه مفهوم آیه یک مفهوم کلی درباره همه جنگجویان و همه مجاهدان است، قرائن دیگر در آیات و روایات نیز این موضوع را تأیید می‌کند (البته این حکم اسلامی شرائطی دارد که در آیات آینده از همین سوره بیان خواهد شد)

سپس برای اینکه مسلمانان از پیروزی بدر مغرور نشوند و تنها بر نیروی جسمانی خودشان تکیه نکنند بلکه همواره دل و جان خود را به یاد خدا و مدد‌های او گرم و روشن نگاه دارند می‌گوید:

«این شما نبودید که دشمنان را در میدان بدر کشتید بلکه خداوند آنها را به قتل رساند» (فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم)  
«و تو ای پیامبر نیز خاک و ریگ در صورت آنها نپاشیدی بلکه خداپاشید»

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۱۵

#### (و ما رمیت اذ رمیت و لكن الله رمی)

در روایات اسلامی و مفسران آمده است که در روز بدر پیامبر به علی فرمود: مشتی از خاک و سنگریزه از زمین بردار و به من بده، علی (علیه السلام) چنین کرد و پیامبر آنها را به سوی مشرکان پرتاب کرد و فرمود: «شاهت الوجوه»: رویتان زشت و سیاه باد! و نوشته‌اند این کار اثر معجزه آسایی داشت و از آن گرد و غبار و سنگ ریزه در چشم دشمنان فرو ریخت و وحشتی از آن به همه دست داد.

شک نیست که در ظاهر همه این کارها را پیامبر و مجاهدان بدر انجام دادند اما اینکه می‌گوید شما نبودید که این کار را کردید اشاره به این است که اولاً: قدرت جسمانی و روحانی و نیروی ایمان که سرچشمه این برنامه‌ها بود از ناحیه خدا به شما بخشیده شد و شما به نیروی خدا داد در راه او گام برداشتید و ثانیاً: در میدان بدر حوادث معجز آسایی که سابقاً به آن اشاره کردیم تحقق یافت که مایه تقویت روحیه مجاهدان اسلام و موجب شکست روحیه دشمنان شد این تأثیر فوق العاده نیز از ناحیه پروردگار بود.

در حقیقت آیه فوق اشاره لطیفی است به مکتب «لا جبر و لا تفویض بل امر

بین الامرین» نه اجبار است و نه واگذاری مطلق بلکه چیزی است در میان این دو است زیرا در عین اینکه نسبت کشتن دشمنان را به مسلمانان و نسبت پاشیدن خاک را به پیامبر می دهد در عین حال از آنها این نسبت را سلب می کند (دقت کنید).

بدون شک در چنین عبارتی تناقضی وجود ندارد بلکه هدف این است که این کار، هم کار شما بود، و هم کار خدا، کار شما بود چون به اراده شما انجام گرفت و کار خدا بود چون نیرو و مدد از ناحیه او بود، بنابراین آنها که پنداشته اند آیه فوق دلیل بر مکتب جبر است پاسخشان در خود آیه نهفته شده است.

و نیز اینکه قائلین به وحدت وجود آیه را دستاویزی برای مکتب خود قرار داده اند پاسخ آن نیز در خود این آیه به طرز لطیفی منعکس است، زیرا

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۱۶

اگر منظور بیان این باشد که خدا و خلق یکی هستند نباید نسبت فعل را به صورتی برای آنها اثبات و به صورتی از آنها نفی کند این نفی و اثبات خود دلیل بر تعدد مخلوق و خالق است و اگر فکر خود را از پیش داوریهای نادرست و تعصب آمیز خالی کنیم خواهیم دید که آیه ارتباطی با هیچیک از مکتبهای انحرافی ندارد، بلکه تنها به مکتب واسطه و امر بین الامرین اشاره می کند آن هم بخاطر یک هدف تربیتی یعنی از میان بردن آثار غرور که معمولاً بعد از پیروزیها، دامنگیر افراد می شود.

در پایان آیه اشاره به نکته مهم دیگری می کند و آن این که: میدان بدر یک میدان آزمایش برای مسلمانان بود «و خدا می خواست مؤمنان را از سوی خود به وسیله این پیروزی بیازماید» (و لیلی المؤمنین منه بلاء حسنا).

«بلاء» در اصل به معنای آزمایش کردن است منتهی گاهی بوسیله نعمتهاست که آن را بلاء حسن می گویند و گاهی بوسیله مصیبتها و مجازاتهاست که به آن «بلاء سیء» گفته می شود، چنانکه درباره بنی اسرائیل می خوانیم و بلوناهم بالحسنات و السيئات: «آنها را بوسیله نعمتها و مصائب آزمودیم» (اعراف ۱۶۸).

خدا می خواست در این نخستین برخورد مسلحانه مؤمنان با دشمنان نیرومند طعم پیروزی را به آنها بچشاند و نسبت به آینده امیدوار و دلگرم سازد، این

موهبت الهی آزمونی برای همه آنها بود، ولی هرگز نباید آنها از این پیروزی نتیجه منفی بگیرند و گرفتار غرور شوند، دشمن را کوچک بشمرند، خودسازی و آمادگی را فراموش کنند، و از اتکای به لطف پروردگار غفلت نمایند.

لذا با این جمله آیه را تمام می کند که «خداوند هم شنواست و هم داناست» (ان الله سمیع علیم).

یعنی خدا صدای استغاثه پیامبر و مؤمنان را شنید و از صدق نیت و اخلاص آنها آگاه و باخبر بود، و به همین دلیل همگی را مشمول لطف قرارداد و بر

---

#### تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۱۱۷

دشمن پیروز ساخت، و در آینده نیز خدا بر طبق نیت و میزان اخلاص و اندازه پایمردی و استقامت مسلمانان با آنها رفتار خواهد کرد، مؤمنان مخلص و مجاهد سرانجام پیروز می شوند و متظاهران ریاکار و سخنگویان بی عمل شکست خواهند خورد.

در آیه بعد برای تاءکید و تعمیم این موضوع می فرماید: «سرنوشت مؤمنان و کافران و عاقبت کارشان همان بود که شنیدید» (ذلکم).

سپس به عنوان ذکر علت می گوید خداوند نقشه های کافران را در برابر مؤمنان ضعیف و سست می کند تا نتوانند آسیبی به آنها و برنامه هایشان برسانند» (و ان الله موهن کید الکافرین).

بعد ←

↑ غرور

→ قبل